

شکار ممنوع



بهزاد عظیمی





شکار ممنوع

بہزاد عظیمی

عنوان اثر: شکار ممنوع

مشخصات اثر: ۲۶ ص ، مصور (رنگی)

موضوع: بررسی مسئله شکار

تألیف: بهزاد عظیمی

صفحه بندی و صفحه آرایی: بهزاد عظیمی

ناشر : پارس بوک

تاریخ انتشار: آبان ماه ۱۳۹۲

تقدیم به همه‌ی حامیان محیط زیست



فهرست

۵ مقدمه
۶ تاریخچه شکار
۷ شکار امری لازم برای تعادل اکوسیستم ها
۷ شرایط شکار
۹ شکار بی رویه، عامل انقراض گونه های جانوری
۱۰ قتل عام حیوانات
۱۱ شکار برای تأمین خوراک
۱۱ شکار برای تفریح
۱۲ شکار برای پولدار شدن
۱۳ شکار بی رحمانه (شکار غرور آفرین!)
۱۵ دلایل غیر قابل قبول برای کشتن حیوانات
۱۶ حیواناتی که بیشتر در معرض خطر اند
۱۶ پستانداران گیاهخوار
۱۸ پستانداران گوشتخوار
۱۹ پرندگان مهاجر
۲۰ مسئله شکار کبک ها
۲۱ مسئله شکار پرندگان منحصر به فرد
۲۲ مسئله شکار سنجاب
۲۳ اهمیت مشارکت مردم در حفظ حیات وحش
۲۴ فعالیت های سازمان محیط زیست
۲۵ سخن پایانی
۲۶ ضمیمه

طبیعت همیشه تابع نظم و قانون بوده و هست، یکی از قوانین طبیعت شکار کردن و شکار شدن است و این چرخه ای است که برای بقای جانوران و نیز برای بقای طبیعت امری لازم و ضروری است. اما گاهی انسان ها این توازن و تعادل طبیعت را زیر پا می گذارند. شکار بی رویه ی حیوانات مختلف توسط انسان باعث انقراض برخی گونه های جانوری شده و برخی دیگر از گونه ها در معرض انقراض قرار گرفته اند و اگر اوضاع همین روند را طی کند، طولی نخواهد کشید که بیشتر حیوانات وحشی از بین خواهند رفت. البته مسئله مقابله با شکار غیر قانونی در اکثر کشورها ، موضوعی مهم است و در این میان بعضی کشورها بسیار موفق بوده اند و اما شرایط بعضی هم بحرانی است. تجربه ثابت کرده است که مقابله با شکار غیر قانونی در هر کشور، نیازمند عزم ملی و همکاری اقشار مختلف آن جامعه است. البته سهم برخی افراد در مقابله با شکار غیر قانونی بسیار بیشتر است که از میان آنها می توان به سازمان محیط زیست ، فعالان محیط زیست ، انجمن های مردم نهاد حمایت از حیوانات و محیط زیست و از همه مهم تر محیط بانان اشاره کرد.

بنابراین بر خود لازم می دانم که از همه ی دوستداران محیط زیست و فعالان در این زمینه تشکر کنم. با تشکر ویژه از سازمان حفاظت محیط زیست کل کشور، نیروی انتظامی ، محیط بانان زحمت کش که در هر جای کشور خدمت می کنند ، اداره محیط زیست شهرستان جوانرود، انجمن ها و تشکلات مردم نهاد حامی حیوانات و محیط زیست و همه ی کسانی که از این پس به جمع حامیان محیط زیست می پیوندند.

عظیمی - پاییز ۹۴

ایمیل نویسنده:

behzadzimi12@gmail.com

تاریخچه شکار

انسان اولیه برای تأمین خوراک و پوشاک خود اقدام به شکار حیوانات می کرده است و با توجه به نقاشی های درون غارها و روی سنگ ها، بیشترین حیواناتی که توسط انسان اولیه شکار می شده اند، بز، گوزن، گاو، آهو و... بوده اند و انسان برای شکار آنها از نیزه و تیر استفاده می کرده است. اما با گذشت زمان هنگامی که انسان های اولیه به تدریج حیوانات را اهلی کردند، نیاز آنها به شکار کاهش یافت و پس از آن انسان بیشتر برای تفریح به شکار می پرداخت.



تصویر ۱- ابزارهایی که انسان اولیه از آن برای شکار استفاده می کرده است (عکس از فوتو دیسک)

با گذر انسان از دوران های مختلف تاریخ، شرایط زندگی آن نیز تغییر می کرد و نیاز آن به شکار کمتر می شد. اما با این وجود هنوز انسان به شکار می پرداخت. البته در گذشته در مناطق مختلفی از جهان فقط پادشاهان و افراد دربار می توانستند شکار کنند و شکار برای آنها صرفاً جنبه ی تفریحی و قدرت نمایی داشته است. شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد که نشان می دهد در ایران باستان نیز این مسئله بسیار مشهود بوده است. در حکایات گلستان سعدی و شاهنامه فردوسی نمونه های زیادی ذکر شده اند و اشعار و آثار دیگر هم تا حدی بحثی از شکار و شکارگاه به میان آورده اند. البته در اروپا نیز شکار از اهمیت زیادی برخوردار بوده و شاهزادگان و اشرافیان برای تفریح و سرگرمی به شکار می پرداخته اند و برای این منظور شکارگاه هایی را در نظر داشتند. البته نقل می شود که در یک دوره ی شکار، ممکن بود همه ی حیوانات منطقه شکار شوند و احتمالاً این مسئله در دراز مدت باعث انقراض جانوران بسیاری در مناطق مختلف جهان شده است.



تصویر ۲- شکار بی رویه در اروپا عامل کاهش شدید جمعیت بعضی گونه های جانوری در طول تاریخ.



تصویر ۳- احمد شاه قاجار



تصویر ۴- عکسی قدیمی از شکار بی رویه در ایران

شکار ، امری لازم برای تعادل اکوسیستم ها

براساس نظریه ی انتخاب طبیعی موجوداتی که سازگارترند و موجوداتی سریع تر سازگار می شوند در طبیعت می ماند و برای بقای سایر موجودات تضمینی نیست. به عبارت دیگر آهو هایی که سریع می دوند می توانند از دست شکارچی ها فرار کنند اما آهو هایی که آهسته تر می دوند گرفتار می شوند. این روند باعث می شود که موجودات قوی تر زنده بمانند و تولیدمثل کنند و موجودات ضعیف تر از صحنه خارج شوند.



تصویر ۵- شکار کردن و شکار شدن قانون طبیعت است

از طرف دیگر اگر هیچ کدام از جانوران شکار نشوند پس از مدتی تعداد آنها بسیار زیاد شده و منابع غذایی کافی برای آنها وجود نخواهد داشت. به طور مثال در نظر بگیرید که هیچ گنجشکی شکار نشود و همه ی آنها به زندگی خود ادامه دهند در این صورت تعداد آنها از حد

معین فراتر می رود و با کمبود منابع غذایی مواجه می شوند و در نهایت همه ی آنها تلف خواهند شد. اما اگر پرندگان شکاری مانند: عقاب، شاهین و ... در منطقه باشند، با شکار تعدادی از گنجشک ها موجب تعادل جمعیت آنها و در نهایت موجب بقای گنجشک ها و نیز بقای خود خواهند شد. اما اگر تعداد پرندگان شکاری زیاد باشد، جمعیت گنجشک ها به شدت کاهش خواهد یافت و پس از مدتی همه ی گنجشک ها شکار شده و از بین می رفتند و با از بین رفتن گنجشک ها، پرندگان شکاری نیز غذایی برای خوردن نداشته و پس از مدتی تلف می شدند. بنابراین شکار کردن و شکار شدن یک قانون تغییر ناپذیر در طبیعت است که باید براساس اصول باشد تا توازن و تعادل طبیعت را برقرار سازد نه اینکه باعث آشفته گی در تعادل و توازن طبیعت شود.

در طبیعت هم شکار وجود دارد و هم شکارچی و در واقع نیازی به حضور انسان نیست و بیشتر اوقات انسان ها باعث بر هم خوردن تعادل طبیعت می شوند. البته این به معنی شکار نکردن نیست بلکه به این معنی است که شکار شرایط خاصی دارد و باید بر اساس اصول باشد.

شرایط شکار

همانطور که گفته شد، شکار باید بر اساس اصول باشد و شکار اصولی و قانونی دارای شرایطی خاص است که باید در نظر گرفته شود. اگر شکار قانونی و اصولی باشد، آسیبی به طبیعت و تنوع جانوری وارد نخواهد شد.

شرط اول دریافت مجوز رسمی از اداره محیط زیست منطقه است. دریافت مجوز باعث می شود که سازمان محیط زیست تعداد دقیق شکارچیان را در دست داشته باشد و بهتر با شکارچیان غیرقانونی مبارزه کند.

شرط دوم در شکار این است که باید در منطقه مناسب شکار نمود. مناطقی که سازمان محیط زیست معرفی می کنند برای این کار مناسب تر اند. مناطق حفاظت شده، مناطق شکار ممنوع و پارک های ملی به هیچ وجه مکان مناسبی برای شکار نیستند. زیرا در این مناطق شکار و شکارچی طبیعی وجود دارد و وجود انسان باعث بر هم زدن تعادل اکوسیستم منطقه می شود.

شرط سوم، شکار در فصل مناسب است. در فصول تولید مثل حیوانات نباید شکار کرد زیرا با شکار والدین، امیدی برای ادامه زندگی نوزادان وجود نخواهد داشت. و این کار به دور از اخلاق است و به علاوه باعث کاهش شدید جمعیت جانوران خواهد شد. بنابراین فقط باید در فصولی که توسط سازمان محیط زیست اعلام می شود اقدام به شکار کرد.

شرط چهارم این است که فقط گونه هایی را شکار کنید که اداره محیط زیست برای شکار آنها به شما مجوز داده اند. کارشناسان اداره محیط زیست هر منطقه با بررسی اکوسیستم آن منطقه، اعلام می کنند که چه گونه هایی را می توان شکار کرد و چه گونه هایی تحت حفاظت اند و نباید آنها را شکار کرد.

شرط پنجم این است که از قتل عام حیوانات پرهیز کنید. اگر به عنوان مثال مجوز شکار مرغابی دارید، از این فرصت سوء استفاده نکنید و فقط به تعداد مجاز شکار کنید.

و شرط آخر اینکه رعایت اخلاق و انصاف در هر کاری لازم و ضروری است و نباید بی رحمانه حیوانات را شکار کرد و فراموش نکنیم که پیامبر (ص) می فرمایند: در رفتار با این حیوانات زبان بسته تقوای خدا را داشته باشید و نیز می فرمایند: همانند شیاطین، با آنها ظالمانه برخورد نکنید. همانگونه که ریچارد فالتز در کتابش با نام حیوانات در اسلام می نویسد که حضرت محمد و پیروانش با مهربانی با حیوانات برخورد می کنند.

شکار بی رویه، عامل انقراض گونه های جانوری

یکی از مهمترین عوامل کاهش جمعیت جانوران و انقراض گونه های جانوری ، شکار بی رویه است. شکار بی رویه به دو صورت باعث انقراض جانوران می شود. اول اینکه با شکار بیش از حد جانوران جمعیت آنها بسیار کاهش خواهد یافت و در نهایت منقرض خواهند شد و دوم اینکه با از بین رفتن حیوانات پایین زیست بوم، شکارچینی که در صدر زیست بوم قرار دارند بدون منبع غذایی مدت زیادی دوام نخواهند آورد و از بین خواهند رفت. برای درک بهتر این قضیه به مثال زیر توجه کنید:

در اسپانیا خرگوش ها و سیاه گوش ها (لینکس) به طور بومی زندگی می کنند. شکار بی رویه ی خرگوش باعث کاهش شدید جمعیت خرگوش ها در منطقه شده و جمعیت خرگوش های منطقه را به سمت انقراض می کشاند از طرف دیگر بدون وجود خرگوش ، سیاه گوش ها غذایی برای خوردن ندارند و نسل آنها در منطقه در حال انقراض است.



تصویر ۶- یک سیاه گوش در حال شکار خرگوش

در طول تاریخ حیوانات زیادی بوده اند که عامل انقراض آنها شکار بی رویه بوده است، یکی از مهمترین این حیوانات پرنده دودو است. همچنین حیوانات دیگری همچون ببر تاسمانی، طوطی برزیلی، کرگدن سوماترای، طوطی آبی، خوکچه هندی، گربه سیاه گوش (لینکس)، چیتا، درنای سیبری، کایمن و... از جمله جانورانی اند که در حال انقراض اند و تعداد کمی از آنها در طبیعت یافت می شود. اما در سالهای اخیر اقدامات فعالان محیط زیست باعث بهتر شدن اوضاع و افزایش برخی از این حیوانات شده است، البته برای ببر تاسمانی هیچ کاری نمی توان کرد زیرا به طور کامل منقرض شده است. در ایران هم حیواناتی هستند که منقرض شده اند یا در حال انقراض اند که از میان آنها می توان به ببر مازندران، یوز پلنگ آسیایی، گوزن زرد ایرانی، سنجاب ایرانی و خرس اشاره کرد.

سالها پیش درناهای سیبری آزادانه به شمال و جنوب مهاجرت می کردند اما شکار آنها توسط افراد خودخواه و سودجو باعث کاهش شدید جمعیت آنها شد به طوری که این اواخر گزارش شد که فقط یک درنای سیبری باقی مانده است. طوطی های برزیلی نیز سرنوشت مشابهی داشتند، آنها برای نگهداری در قفس شکار می شدند و نسل آنها در طبیعت منقرض شد اما فعالان محیط زیست طوطی های داخل قفس را خریداری کرده و اقدام به تکثیر آنها نمودند، شاید به این صورت بتوان نسل آنها در طبیعت را دوباره احیا کرد.

با توجه به مطالب گفته شده بهتر است ما نیز قبل از اینکه شرایط حیات وحش کشورمان وخیم تر شود، دست به کار شویم و قدم اول این است که از شکار غیر قانونی و شکار بی رویه پرهیز کنیم.

قتل عام حیوانات

هستند شکارچیان که در هر دوره شکار، تعداد بسیار زیادی از حیوانات را می کشند این کار بیشتر شبیه به قتل عام است تا شکار. قتل عام حیوانات از نظر علمی، اخلاقی و اعتقادی، امری بسیار ناپسند است و صدمات زیادی به حیات وحش منطقه وارد می کند. مدت ها پیش در یکی از شهرها شکارچی دستگیر شد که به گفته ی مردم بومی محل این فرد در هر روز که به شکار می رفت حداقل پنجاه قطعه کبک شکار می کرد.



تصویر ۷- قتل عام حیوانات توسط چند شکارچی در یکی از کشورهای خارجی

بحث ما در اینجا این نیست که نباید شکار کرد، بلکه شکار باید برای شکارچی نفعی داشته باشد، اگر برای استفاده از گوشت، شکار می کنید، بنابراین یک یا دو پرنده کافی خواهد بود و نیازی به افراط و قتل عام حیوانات نیست. به نظر شما هیچ دلیل قانع کننده ای برای قتل عام ده ها و بلکه صدها حیوان وجود دارد. مطمئن باشید وجود حیوانات در طبیعت برای ما نفع بیشتری دارد تا اینکه بدون هیچ دلیل منطقی کشته شوند.

گاهی صحنه هایی را می بینیم که بسیار دلخراش اند، نمونه ای از این صحنه ها تصویر زیر است، شاید فکر کنید که این حیوانات توسط شیرها یا گرگ های درنده به این وضع دچار شده اند، اما اینگونه نیست و همه می دانیم که این قتل عام بی رحمانه کار کسانی غیر از شکارچیان بی رحم نمی تواند باشد، برای انسان که ادعای مدنیت و تفکر دارد، این خوی وحشی گری مایه ی تأسف است...



تصویر ۸- فاجعه در استان قزوین (عکس از خبرگذاری مستقل محیط زیست)

همانگونه که برای شکار اسلحه و تجهیزات با خود می برید، قدری انصاف و اخلاق هم با خود ببرید. زیرا گاهی شکارچیان فراموش می کنند که آنچه آنها شکار می کنند، موجوداتی جاندار اند که مانند انسان درد را حس می کنند.

شکار برای تأمین خوراک

همانطور که گفته شد، انسان های اولیه برای تهیه ی غذا حیوانات را شکار می کردند، اما امروزه این دلیل قانع کننده ای نیست زیرا در هر فروشگاهی گوشت گاو، گوسفند، مرغ، مرغابی، بوقلمون و حتی گوشت کبک و بلدرچین یافت می شود. امروزه مزارع پرورش خرگوش، بلدرچین، قرقاول، کبک و ... در هر جای دنیا وجود دارد که محصولات آنها غالباً ارگانیک اند و تفاوت چندانی با حیوانات وحشی ندارند. همچنین گوشت حیوانات پرورشی از نظر کیفیت و سلامت در سطح بالاتری قرار دارد زیرا زیر نظر وزارت بهداشت و سازمان دامپزشکی فعالیت می کنند. اما حیوانات وحشی ممکن است مبتلا به بیماریهایی همچون آنفلونزای مرغی، آنفلونزای خوک و ... باشند و بیماری را به انسان منتقل کنند.

بنابراین شکار منبع مناسبی برای تأمین خوراک خانواده نیست و همچنین گاهی هزینه های شکار از هزینه های خرید گوشت بسیار بیشتر است و از نظر اقتصادی به صرفه نیست.

در هر حال شما می توانید پس از اخذ مجوز به صورت اصولی و قانونی و به تعداد مجاز شکار کنید و در این صورت مانعی سر راه شما نیست. اما شکار نمی تواند منبع همیشگی برای تأمین خوراک باشد.

شکار برای تفریح

از زمان های گذشته تاکنون، افرادی بوده اند که برای تفریح و خوشگذرانی اقدام به شکار حیوانات می کرده اند و گاهی هم مسابقاتی در این خصوص برگزار می شده است. در گذشته افراد اشرافی و ثروتمند در شکار بلدرچین و قرقاول شرکت می کرده اند و این کار را صرفاً برای تفریح انجام می داده اند. بدین صورت که فردی اقدام به ترساندن یک گله از پرندگان می کرد و به محض پرواز پرندگان، ده ها نفر هم زمان به سمت آنها تیراندازی می کردند.

امروزه نیز شکارچیان هستند که هدف آنها از شکار فقط تفریح است و نیازی به شکار ندارند و افرادی هم هستند که فقط به تیراندازی به سمت اهداف زنده علاقه دارند و برایشان مهم نیست که چه حیوانی را شکار می کنند. به یاد داشته باشید که حیوانات سیبل های متحرکی نیستند که برای آموزش تیراندازی استفاده شوند، آنها موجوداتی جاندار اند.

برخی از افراد نیز همیشه در خودرو خود یک اسلحه شکاری دارند و هنگام رفتن به طبیعت به محض دیدن هر موجود جاندار اسلحه را به سمت آن نشانه رفته و بقیه ی ماجرا به این بستگی دارد که این فرد چقدر در تیراندازی مهارت داشته باشد و همین موجب گرفتن جان یک حیوان می شود.

آیا به نظر شما هدف قرار دادن حیوانات و شلیک به آنها تفریح محسوب می شود؟ آیا این افراد، شکارچیان خودخواه نیستند که برای لذت بردن، طبیعت را نشانه می روند؟

شکار برای پولدار شدن

بیشتر مردم دوست دارند که ثروتمند باشند اما برخی برای ثروتمند شدن دست به هر کاری می زنند از جمله اینکه با شکار غیرقانونی حیوانات نادر و ارزشمند سعی در کسب درآمد های هنگفت دارند.



تصویر ۹- شکارچیان غیرقانونی در مالزی (عکس گرفته شده توسط دوربین های جنگل)

در سراسر جهان شکار غیر قانونی حیواناتی همچون: کرگدن ، فیل ، ببر ، شیر ، پلنگ و... تجارتی بسیار پر سود برای شکارچیان فراهم آورده و همین باعث هجوم شکارچیان غیر قانونی به این سمت شده است. شکارچیان غیر قانونی همه ساله تعداد زیادی حیوانات ارزشمند را برای سود شخصی شکار می کنند و از هیچ قانونی تبعیت نمی کنند. نمونه ی بارز آن شکار فیل های آفریقایی برای دست یابی به عاج های گران قیمت و با ارزش آن است از این رو مقامات محلی تدابیری اندیشیده اند تا جلوی شکار غیر قانونی را بگیرند و با توجه به وسعت زیاد منطقه، محیط بانان مجبورند که با بالگرد و یا خودرو گشت دهند.

کرگدن ها نیز سرنوشتی مشابه فیل های آفریقایی دارند، شاخ کرگدن با قیمت های بسیار زیادی در بازار جهانی به فروش می رسد و بنابراین دور از انتظار نخواهد بود که شکارچیان غیر قانونی به سمت این حیوان بیایند. کرگدن ها گونه های مختلفی دارند که دو گونه کرگدن آفریقایی و کرگدن سوماترای از مهمترین آنها هستند. در بازار های جهانی شاخ کرگدن سوماترای طرفداران زیادی دارد و همین باعث شده که نسل آن به شدت در معرض انقراض قرار گیرد.



تصویر ۱۰- کرگدن های آفریقایی به خاطر شاخ های گران قیمت شان توسط شکارچیان غیر قانونی، شکار می شوند.

ببر ، پلنگ ، یوز پلنگ (چیتا) و شیر حیوانات دیگری هستند که از گزند شکارچیان غیر قانونی در امان نیستند معمولاً پوست این حیوانات در بازار سیاه به قیمت خوبی فروخته می شود و افراد ثروتمند از پالتوهای تولید شده از پوست این حیوانات استقبال می کنند و این در واقع زنگ هشدار است برای حامیان حیات وحش و سازمان های مربوطه به خصوص اینکه در کشور ما پلنگ و چیتا وجود دارد.



تصویر ۱۱- یک پلنگ شکار شده در ایران (عکس از خبرگزاری مهر)

شکار بی رحمانه (شکار غرور آفرین!)

شاید برای برخی افراد شکار حیوانات بزرگ، صرفاً برای قدرت نمایی باشد و برای اینکه برتری خود را بر حیوانات بزرگ نشان دهند به این عمل عجیب و بی رحمانه دست می زنند. حیوانات مختلفی هستند که در بین شکارچیان بسیار معروف اند و شکار آنها باعث سرافرازی شکارچی در جمع شکارچیان می شود، حیواناتی همچون: بوفالو، گوزن، خرس ، پوما ، گرگ ، گاو وحشی و ...

البته در واقع شکار این حیوانات هیچ افتخاری ندارد ، بلکه واقعاً مایه ی تأسف است و بی رحمی شکارچی را نشان می دهد. یکی از این حیوانات که قربانی قدرت نمایی شکارچیان می شود، گرگ است. هر سال تعداد بسیار زیادی گرگ در مناطق مختلف دنیا کشته می شوند تا پوست آنها به دیوار آویخته شود و برای شکارچی افتخار و غرور بیاورد. در گذشته در مناطق شمال روسیه، کسانی که گرگ شکار می کردند مورد احترام مردم بودند و مردم به آنها افتخار می کردند. و همین مسئله باعث کاهش جمعیت گرگ ها در بعضی مناطق و انقراض آن در چندین منطقه شد.



تصویر ۱۲- یک شکارچی که گرگی را شکار کرده و با افتخار آن را نشان می دهد.

خرس حیوان دیگری است که سرنوشتی مشابه گرگ داشته است. اکثر مردم خرس را حیوانی عظیم و وحشتناک می دانستند و از آن می ترسیدند و این امر شکارچیان ماجراجو را ترغیب کرد که با بی رحمی خرس ها را شکار کنند تا مردم از شجاعت های آنان افسانه و اسطوره بسازند. این روند در آمریکا ، آسیا و اروپا همچنان ادامه داشت تا اینکه جمعیت خرس ها کاهش چشمگیری یافت و حتی چندین گونه خرس به شدت در معرض انقراض رسیدند و حتی کار به جایی رسیده بود که توله خرس ها نیز از گزند شکارچیان در امان نبودند. اما واقعاً خرس ها به اندازه ی شکارچیان بی رحم نبودند....



تصویر ۱۳- دو شکارچی که خرسی را شکار کرده و به با افتخار با هم دست می دهند!

گوزن ها حیوانتی دیگرند که آنها هم سرنوشتی مشابه دارند. شکارچیان گوزن ها را شکار می کنند تا سر آنها را به دیوار خانه نصب کرده و بعدها برای مردم داستان های بیهوده از شکار گوزن تعریف کنند و شجاعت نداشته شان را به رخ بکشند. بوفالوها نیز از این قاعده مستثنی نیستند و آنها هم ناچاراً باید به سرنوشت گرگ ها و خرس ها دچار شوند.



تصویر ۱۴- شکار گوزن



تصویر ۱۵- شکار بوفالو

دلایل غیر قابل قبول برای کشتن حیوانات

معمولاً شخص یا اشخاصی که حیوانی را می‌کشند برای کشتن آن حیوان دلایلی دارند، حال اینکه این دلایل منطقی نبوده و نمی‌توان آنها را قبول کرد. ممکن است شخصی توسط حیوانی مورد حمله قرار گیرد و برای دفاع از خود حیوان را بکشد که این مسئله نیز قابل بحث است. اول اینکه هیچ حیوانی بی دلیل به افراد دیگر حمله ور نمی‌شود مگر اینکه آن فرد وارد قلمرو حیوان شده و یا اینکه باعث آزار و اذیت آن شود.

روباها حیواناتی زیبا و فعال و در عین حال جسور و باهوش اند و همین مسئله باعث شده که گاهی از مناطق روستایی و یا مرغداری‌ها سرقت کنند و بیشتر اوقات توسط اهالی روستا یا نگهبانان مرغداری کشته و یا زخمی می‌شوند. کشتن روباه فقط به خاطر اینکه یک مرغ را بگیرد، اصلاً دلیل منطقی و قابل قبولی نیست زیرا هنگامی که مردم منطقه پرندگان و خرگوش‌ها را شکار می‌کنند، روباه منبع غذایی نخواهد داشت و مجبور است که از مرغ‌ها تغذیه کند بنابراین کشتن آنها در چنین شرایطی بر خلاف اصولی اخلاقی و دینی است. ضمناً اگر حصار اطراف مرغداری‌ها سالم باشد روباه نمی‌تواند وارد آن شود و همچنین اگر حداقل یک مرغ را در خارج از مرغداری برای روباه بگذارید، مطمئناً ورشکست نخواهید شد!



تصویر ۱۶- کشته شدن روباه در منطقه ای در شمال غرب استان کرمانشاه (عکس گرفته شده توسط نویسنده)

هیچ جانوری به اندازه ی مار، قربانی خرافات و عقاید اشتباه مردم نشده است. البته در زمان حاضر بیشتر مردم با آگاهی تصمیم می‌گیرند و عقاید اشتباه گذشتگان را از خود دور کرده اند، با این وجود هنوز افرادی هستند که هر ماری را می‌بینند، فوراً با سنگ، چوب و یا هر وسیله‌ی دیگری جان آن را می‌گیرند. و دلیل آنها برای اینکار این است که مار جانور مضر است و ممکن است بعدها در همین محل کسی را نیش بزند. اجازه بدهید اینجا در مورد یک مسئله بحث کنیم، آمارها نشان می‌دهند که تعداد افرادی که در اثر تصادفات رانندگی می‌میرند بسیار بیشتر از تعداد افرادی است که در اثر مارگزیدگی و یا عقرب‌گزیدگی می‌میرند، پس بنابراین منطقی حکم می‌کند که همانگونه مارها را می‌کشیم، باید همه‌ی خودروها را از بین ببریم. همچنین فقط بیست درصد از مارها سمی اند، در نتیجه کشتن مارها به هیچ وجه منطقی نبوده و باعث بروز اختلال در اکوسیستم‌ها و محیط زیست می‌شود. مارها با تغذیه از جوندگان کوچک (مانند: موش) باعث تنظیم جمعیت موش‌ها می‌شوند که این هم برای مزارع و هم برای طبیعت امری حیاتی است.

بنابر مطالب گفته شده، دلیل قابل قبولی برای کشتن حیواناتی همچون روباه، مار، کلاغ و ... وجود ندارد. پس دشمنی را با حیوانات کنار گذاشته و سعی داشته باشید که کشاورزی و دامپروری همگام با طبیعت و حیاط وحش باشد و هر گاه حیوانی را دیدیم به جای اینکه سریعاً برای مقابله با آن گارد بگیریم، کمی به زیبایی آن بنگریم.

حیواناتی که بیشتر در معرض خطر اند

حیوانات زیادی در حیاط وحش کشور زندگی می کنند اما از میان آنها حیواناتی هستند که بیشتر در معرض خطرند و باید برای آنها چاره ای اندیشید. همه ی حیواناتی که از این بخش به بعد نام آنها ذکر می شود در ایران وجود دارند و نیازمند حمایت سازمان های مربوطه ، فعالان محیط زیست و اقشار مختلف مردم است.

این حیوانات در گروه های مختلفی تقسیم بندی شده اند تا درک مسئله بهتر صورت گیرد.

پستانداران گیاهخوار

در میان پستانداران گیاهخوار، گوزن، گراز ، آهو ، قوچ و کل کوهی از مهم ترین حیواناتی اند که بیشتر در معرض خطرند و همه ی آنها در کشور نیز وجود دارند.

کل کوهی و قوچ: کل کوهی، بز کوهی، آهو و قوچ از جمله حیوانات زیبای در معرض خطراند که در قسمت های مختلفی از کشور یافت می شوند. هدف شکارچیان از شکار حیوان عمدتاً استفاده از گوشت و پوست و یا صرفاً به خاطر تفریح است. کل ها و قوچ ها حیواناتی با ابهت ، زیبا و محتاط اند و در صورت وقوع خطر فوراً پا به فرار می گذارند و معمولاً به سمت ارتفاعات می روند ، اما در زمستان به دلیل وجود برف بر روی زمین در ارتفاعات، آنها مجبورند برای تغذیه به مناطق کم ارتفاع بیایند و شکارچیان نیز از این فرصت استفاده کرده و اقدام به شکار آنها می کنند.



تصویر ۱۷- شکار غیر قانونی در ایران -غرب و شمال غرب استان کرمانشاه (عکس از اداره محیط زیست شهرستان جوانرود)



تصویر ۱۸- شکار کل کوهی در ایران (عکس گرفته شده توسط خود شکارچیان)

وجود کل، بز، قوچ، میش، آهو و... برای مناطقی که زیستگاه حیوانات گوشتخواری چون پلنگ، یوزپلنگ و گرگ است، بسیار مهم و استراتژیک است. بنابراین در زیستگاه پلنگ نباید هرگز اقدام به شکار بز، کل و... کرد زیرا در غیر اینصورت ممکن است دو رفتار از پلنگ قابل مشاهده باشد. اول اینکه پلنگ شما را یک متجاوز به قلمرو خواهد دانست و ممکن است به شما حمله کند و دوم اینکه در صورت شکار بی رویه در زیستگاه آن، جمعیت کل، بز، آهو و... کاهش می یابد و پلنگ ناچار است برای تهیه ی غذا به دام ها و گله های حیوانات اهلی حمله کند.

گراز: گراز حیوانی پستاندار از راسته زوج سمان است، از نظر دین اسلام مصرف گوشت آن حرام است و به همین خاطر اکثر مردم علاقه ای به شکار آن ندارند، اما در قسمت های مختلف کشور ادیان و فرهنگ های مختلفی وجود دارد که در میان برخی از آنها مصرف گوشت گراز مانعی ندارد.



تصویر ۱۹- شکار غیر قانونی گراز در ایران توسط شکارچیان خارجی (عکس از سایت مرجع حیات وحش ایران)

شواهد نشان می دهد که در ایران باستان، گراز را شکار می کرده اند و نقوش حک شده بر روی قسمتی از طاق بیستان، یکی از این آثار به جا مانده ی تاریخی است. البته به غیر از استفاده از گوشت دلیل دیگری برای شکار گراز ها وجود دارد، و آن شکار گراز توسط مزرعه داران و کشاورزان برای محافظت از محصولاتشان در برابر گراز هاست که البته به غیر از کشتن راه های بهتری برای محافظت از محصولات کشاورزی وجود دارد..

در هر صورت گراز هم مانند سایر موجودات می تواند برای طبیعت مفید باشد. گراز می تواند شکار مناسبی برای گرگ، پلنگ و یوز پلنگ باشد. همچنین گراز با تغذیه از قارچ ها، ریشه ها، غذاهای پسمانده و فضولات، نقش مهمی را در تجزیه مواد در طبیعت ایفا می کند.

پستانداران گوشتخوار

از میان پستانداران گوشتخوار ایران چندین گونه بیشتر در معرض خطرند که از جمله ی آنها می توان به پلنگ، یوز پلنگ آسیایی، گرگ، خرس و سمور اشاره کرد.

پلنگ: در کمتر کشوری پلنگ وجود دارد و وجود پلنگ در کشور ما برای ما یک موهبت و یک فرصت است و نباید با دست خود این فرصت را از بین ببریم. پلنگ ها در کشور ما شدیداً در معرض خطر انقراض قرار دارند و حفاظت از آنها نیازمند برنامه ای فوری و همه جانبه است و یا اگر برای نجات پلنگ کاری نمی کنیم، حداقل با شکار آنها را نابود نکنیم. (تصویر ۱۱)

پلنگ های موجود در هر منطقه، متعلق به همه ی اهالی منطقه است و نباید به دست شکارچیان نابود شود، زیرا که وجود پلنگ باعث جذب گردشگر شده و می تواند اشتغال و کسب درآمد را در پی داشته باشد.

یوز پلنگ: یوز پلنگ های موجود در ایران از نوع یوز پلنگ های آسیایی اند که بسیار نادر و با ارزش اند. تخمین زده می شود که حدود ۵۰ قلاده یوزپلنگ آسیایی در ایران وجود داشته باشد و این رقم چندان زیادی نیست. البته اگر جلوی شکار غیر قانونی آنها گرفته شود و زیستگاه های آنها از بین نرود، می توان امید داشت که تعداد یوزپلنگ ها در ایران افزایش یابد.

برخی شکارچیان برای تفریح به سمت یوزپلنگ ها تیراندازی می کنند و یا سگ های شکاری را به جان آن می اندازند، که این رفتار به دور از اخلاق انسانی است و خودخواهی آنها باعث از بین رفتن سرمایه های طبیعی کشور خواهد شد.

خرس: در واقع خرس ها گوشتخوار نیستند، بلکه آنها همه چیز خوار بوده و از مواد غذایی مختلفی همچون: عسل ، ماهی ، میوه ها ، گوشت و حتی گیاهان تغذیه می کنند. بر خلاف عقیده عموم مردم خرس ها چندان هم ستیزه جو نیستند و اولین رفتار آنها در برخورد با انسان ، فرار کردن است. البته اگر شما وارد قلمرو و لانه ی آن نشوید نباید انتظار رفتار خوبی از آن داشته باشید ، همانگونه که شما نیز انتظار یک مهمان ناخوانده را در خانه خود ندارید.



تصویر ۲۰- شکار خرس در ایران

شکارچیان مطمئن باشند که با کشتن خرس هیچ افتخاری نصیبشان نمی شود و مطمئن باشند که اقدامات بی رحمانه آنها توسط ارگانهای مربوطه قابل پیگیری بوده و فعالان محیط زیست و حامیان حیات وحش و نیز عموم مردم هیچگاه این عمل آنها را تأیید نخواهند کرد.

سمور: وجود سمور در کشور، موضوع چندان اثبات شده ای نیست و دیدن آن در طبیعت کشور بسیار کم اتفاق می افتد ، اما به نظر می رسد شکارچیان بیش از حامیان محیط زیست از زیستگاههای این جانور اطلاع دارند زیرا هر از گاهی تعدادی سمور از شکارچیان کشف می شود. با این حال باید تلاش کنیم که همین تعداد اندک سمور نیز از بین نرود.



تصویر ۲۱- رهاسازی سمور توسط پرسنل اداره محیط زیست(عکس از اداره محیط زیست جوانرود)

پرندهگان مهاجر

پرندهگان مهاجر به طور فصلی وارد کشور می شوند، که در این میان برخی فقط در منطقه استراحت کوتاهی می کنند و سپس راهی می شوند(مانند مرغابی) و بعضی هم در منطقه می مانند و تولیدمثل می کنند (مانند پرستوها). نکته ی قابل توجه اینکه پرندهگان مهاجر برخلاف سایر جانوران ، متعلق به یک کشور خاص یا منطقه ای خاص نیستند، بلکه متعلق به همه ی کشورهای است که در مسیر مهاجرت این پرنده قرار دارند.

طی مشاهداتی که توسط بنده در منطقه ای مشخص (یک آبگیر در غرب کشور) در طی چندین سال متوالی انجام گرفت، نتیجه ی قابل توجهی داشت. در زمستان سال اول و دوم پنج لک لک که از شمال به سمت جنوب مهاجرت می کردند ، به مدت چندین روز در منطقه اقامت کردند. در زمستان سال سوم ، آنها به آبگیر باز نگشتند، اما در زمستان سال چهارم فقط یک لک لک به آبگیر بازگشت که آن هم از نظر رفتاری و جسمی در وضع مطلوبی نبود و پس از آن در سالهای آتی هیچگاه لک لک ها به آن آبگیر برنگشتند.



تصویر ۲۲- پلیکان ها در یکی از تالاب های کشور (عکس از اینترنت)

مثال فوق در واقع مثالی ملموس و واقعی است که در بیشتر آبخیزهای کشور ممکن است نظیر آن اتفاق بیافتد. پس به یاد داشته باشید شکار پرندگان مهاجر در هر منطقه ای بر مناطق دیگر نیز اثر می گذارد، بنابراین از این پس هنگامی که برای قتل عام پرندگان مهاجر کمین کردید، بدانید که کسی در جایی از این دنیا منتظر رسیدن دوباره ی آن در سالهای آینده است...

مسئله شکار کبک ها

کبک ها یکی از پرندگان بومی کشور اند و عموماً در مناطق کوهستانی زندگی می کنند. این پرنده جزء پرنده هایی است که با وجود اینکه تعداد آن در کشور زیاد است اما در معرض خطر است، زیرا تعداد زیادی از شکارچیان غیر قانونی هر سال اقدام به شکار کبک ها می کنند. کبک ها به سه گونه شکار می شوند، روش اول اینکه با اسلحه شکاری آنها را شکار می کنند، روش دوم استفاده از دام های زنده گیری است و روش سوم گرفتن جوجه هاست. برخی شکارچیان برای استفاده از گوشت و برخی هم برای نگهداری در قفس کبک ها را شکار می کنند که هر دو مورد قابل بحث است. شکار کبک برای استفاده از گوشت منوط به دریافت مجوز رسمی از سازمان است و نگهداری آن در قفس غیر قانونی بوده و جرایمی را در پی خواهد داشت.



تصویر ۲۳- کشف چندین قطعه کبک در یک منزل مسکونی (عکس از اداره محیط زیست جوانرود)

نقشه ی دقیق پراکنش کبک ها در ایران در دست نیست اما احتمالاً در اکثر استان های کشور (به غیر از چندین استان) یافت شوند. بنابراین در اکثر مناطق شکارچیان غیر قانونی اقدام به شکار این پرنده می کنند و مبارزه با شکارچیان نیازمند یک عزم ملی است.



تصویر ۲۴- رهاسازی کبک در طبیعت توسط فرماندار شهرستان جوانرود(عکس از اداره محیط زیست جوانرود)

مسئله شکار پرندگان منحصر به فرد

در واقع همه ی پرندگان زیبا و منحصر به فرد اند اما تعدادی از پرندگان واقعاً خارق العاده و ویژه اند و به همین خاطر شکارچیان بیشتری در کمین آنها هستند. پرندگانی همچون: سهره ، سار ، بلبل ، چکاوک ، هدهد ، شاهین و عقاب از جمله پرندگان منحصر به فرد کشور اند.

سهره: سهره ها عموماً جهت نگهداری در قفس صید می شوند و در بازار به فروش می رسند و حتی گاهی در پرند فروشی های معتبر نیز ، سهره های صید شده از طبیعت به چشم می خورد. متأسفانه شکارچیان روش های صید انبوه سهره را به خوبی می دانند و این اصلاً به نفع طبیعت و حیات وحش نیست. شکارچیان گاهی سهره ها را به پرند فروشی ها می فروشند و یا خود شخصاً اقدام به فروش آنها می کنند و یا اینکه ممکن به صورت شبکه ای اقدام به فروش آنها کنند که این روش را شکارچیان کهنه کار برای جلوگیری از ارتباط مستقیم با خریدار به کار می برند تا در دام مأمورین گرفتار نشوند. البته همه ی سهره های موجود در بازار از طبیعت صید نشده اند بلکه قسمتی از آنها توسط انسان تکثیر شده اند. بنابراین در خرید سهره ها همیشه دقت کنید که فقط سهره های پرورشی را خریداری کنید زیرا هم قانونی است و هم اینکه سهره های پرورشی طی چندین نسل در قفس زندگی کرده و به شرایط قفس عادت کرده اند.



تصویر ۲۵- کشف تعدادی سهره از شکارچیان (عکس از اداره محیط زیست جوانرود)

عقاب: عقاب ، پرند ای شکاری و با ابهت است که معمولاً توسط شکارچیان به دو منظور نگهداری در قفس و نیز تاکسیدرمی شکار می شوند که در هر حال شکار آن غیر قانونی است. عقاب ها معمولاً در بازار ارائه نمی شوند زیرا سریعاً مأمورین مطلع خواهند شد و فروش آنها به صورت مخفیانه و حتی بدون ارتباط مستقیم با شکارچی صورت می گیرد. برای درک بهتر یک مثال واقعی و ملموس را ذکر می کنم.

در یکی از شهرها با کمک یکی از دوستان محل خرید و فروش غیر قانونی حیوانات وحشی را پیدا کردیم و هدف ما از این کار صرفاً تحقیق در مورد شکار غیر قانونی بود. اما نکته ی جالب توجه اینکه محل مورد نظر در نظر اول محلی برای فروش حیوانات به نظر نمی رسید بلکه یک مغازه معمولی بود و هیچ حیوانی را به افراد نا شناس نمی فروختند مگر اینکه شخصی معتبر او را معرفی کرده باشد. حتی اگر شخصی ناشناس اظهار می کرد که فلان حیوان را می خواهم، فروشنده به تندی پاسخ می داد که من فروشنده ی حیوانات نیستم. اما جالب است بدانید که طی مشاهدات حامیان محیط زیست در این مکان و چندین مکان مشابه پرندگانی چون: کبک، سهره ، سار، هدهد و حتی عقاب خرید و فروش شده اند. همچنین با وجود اینکه برخی از این شکارچیان چندین دفعه جریمه شده اند، اما باز هم دست از این کار خود برداشته اند. و نکته ای دیگر اینکه تعدادی از این شکارچیان حتی در شهرها و استان های مجاور نیز اقدام به شکار غیر قانونی حیوانات وحشی می کنند.

هدف از ذکر مثال فوق این بود که حامیان محیط زیست و عموم مردم بدانند که سرمایه های طبیعی (عقاب) آنها در مغازه های معمولی خرید و فروش می شوند. اما به کمک هم خواهیم توانست که با اینگونه خرید و فروش های غیر قانونی و نیز شکار عقاب ها برخورد کنیم.



تصویر ۲۶- رهاسازی عقاب در طبیعت توسط مأمورین نیروی انتظامی و پرسنل اداره محیط زیست (عکس از اداره محیط زیست جوانرود)

مسئله شکار سنجاب

وجود حیوانات نادر و با ارزش از طرفی یک موهبت است و از طرفی دیگر مسئولیت آور است و نیازمند توجه و دقت بیشتری هستند. بدیهی است که در هر منطقه ای که حیوانات با ارزش یافت شوند، شکارچیان غیر قانونی نیز در آن منطقه یافت می شوند. سنجاب ها یکی از این حیوانات با ارزش اند، سنجاب ها توسط شکارچیان برای نگهداری در قفس صید می شوند و با وجود اینکه خرید و فروش و نگهداری آن جرم محسوب می شود، اما به راحتی صید شده و در بازار توزیع می شوند.



تصویر ۲۷- سنجاب ها برای زندگی در قفس به هیچ وجه مناسب نیستند.

سنجاب ها به هیچ عنوان حیوان خانگی مناسبی نیستند و نباید آنها را در قفس زندانی کرد. سنجاب ها تهاجمی و قلمروگرا هستند و ممکن است پرخاشگر شده و چنگ بزنند و یا گاز بگیرد. بنابراین شما نباید اقدام به خریداری سنجاب ها کنید زیرا در اینصورت شما باعث آزار و اذیت سنجاب شده اید و شکارچی را تشویق کرده اید که دوباره به صید و شکار سنجاب پردازد و در این حال انقراض سنجاب های ایرانی دور از انتظار نخواهند بود. سنجاب ها گاهی در بازار با قیمت های زیادی خرید و فروش می شوند و شکارچیان هستند که به خاطر کسب درآمد، طبیعت و حیوانات را فدا می کنند.

اهمیت مشارکت مردم در حفظ حیات وحش

با توجه به مطالب گفته شده، امروزه حفاظت از طبیعت و حیات وحش بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته و در بیشتر کشورهای توسعه یافته و حتی کشورهای در حال توسعه برنامه های بلندمدت و کوتاه مدتی برای حفاظت از سرمایه هایشان دارند. کشوری که حیات وحش غنی و متنوعی داشته باشد، مسلماً گردشگران را به سمت خود جذب خواهد کرد. به طور مثال هر ساله گردشگران بسیار زیادی برای دیدن شیرها، فیلها، زرافه ها و کرگدن ها در زیستگاه طبیعی شان، به آفریقا سفر می کنند و مطمئناً در این سفر، در هتل ها اقامت خواهند کرد، در رستوران ها غذا خواهند خورد و از فروشگاه ها، مغازه ها و دست فروشان خرید خواهند کرد. بنابراین گردشگران باعث رونق اقتصادی منطقه شده و ایجاد اشتغال می کند زیرا مردم محلی که در کنار طبیعت زندگی می کنند، اطلاعات زیادی در مورد حیات وحش منطقه دارند و می توانند راهنمای خوبی برای گردشگران باشند.

در ایران نیز گونه های جانوری متعددی وجود دارند که بعضی از آنها می توانند گردشگران زیادی را مجذوب خود کند، پلنگ، یوز پلنگ، گوزن، کل کوهی، قوچ، هیستریکس، کبک، عقاب و... از آن جمله اند. اگر همه ی مردم از تنوع جانوری منطقه خودشان حفاظت کنند، هم باعث رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال در منطقه شده اند و هم اینکه محیط زیستی سالم و متنوع خواهند داشت.

در واقع حیات وحش و حیوانات وحشی متعلق به همه ی مردم است و کشتن حیوانات وحشی فقط در صورتی مشروع خواهد بود که شکارچی از همه ی مردم کشور اجازه بگیرد که این امر محال است. بنابراین اگر شما شکارچی را می بینید که یک قوچ شکار کرده است، او به دولت یا سازمان محیط زیست آسیب نرسانده بلکه او در حال سرقت سرمایه های مردم است. اگر شما کیف پولتان را دست کسی دیگر ببینید با او چگونه رفتار خواهید کرد، آیا بدون توجه از کنار او خواهید گذشت یا اینکه حق خود را از او خواهید گرفت.

اگر دولت با گرفتن مالیات از مردم یک عقاب را خریداری کرده و در طبیعت رهاسازی کند و چند روز بعد شما فردی را ببینید که عقاب مورد نظر را شکار کرده، آیا فکر می کنید که شکارچی به دولت و سازمان محیط زیست آسیب رسانده یا به شما و بقیه ی مردم؟

تا به حال فکر کرده اید که چرا محیط بان ها در سرما و گرما از حیوانات حفاظت می کنند و جان خود را به خطر می اندازند و گاهی با شکارچیان درگیر می شوند. آیا محیط بانان دشمن قسم خورده ی شکارچیان اند؟ در واقع اینگونه نیست، یک محیط بان با عشق و علاقه این شغل را انتخاب می کند و از دولت و سازمان حقوق می گیرد تا از حیوانات حفاظت کند، او در واقع حیوانات را برای سازمان محیط زیست حفاظت نمی کند، بلکه برای مردم حفاظت می کند. اما شکارچیان بی فکر گاهی به سمت محیط بانان تیراندازی کرده و باعث کشته و زخمی شدن آنها می شوند.

نیروی انتظامی، محیط بانان، سازمان محیط زیست، فعالان محیط زیست و... به وظیفه ی خود عمل کرده و در مقابل شکارچیان غیر قانونی می ایستند تا سرمایه های مردم به دست عده ای سوگو و خودخواه به غارت نرود. اما مهره ی اصلی مردم اند که باید از سرمایه های خود دفاع کنند و اجازه ندهند که شکارچیان به بهانه های مختلف، سرمایه ی آنها را به نام خود کنند.

قرار نیست همه ی ما اسلحه به دست بگیریم و روز و شب از حیات وحش نگرهبانی دهیم، همین که طرز فکرمان را عوض کنیم کافی است. بیاید از این پس گوشت و پوست حیوانات شکار شده را تخریم، در مجالس به داستان های بیهوده ی قاتلان حیات وحش توجه نکنیم، به یک قاتل مسلح برای کشتن حیوانات بزرگ افتخار نکنیم و همیشه به یاد داشته باشیم که حیوانات زنده اند و درد را احساس می کنند.

فعالیت های سازمان محیط زیست

در سالهای اخیر سازمان حفاظت محیط زیست و ادارات حفاظت محیط زیست هر منطقه به طور قابل توجهی در بحث حفاظت از منابع و مقابله با شکارچیان، پیشرفت داشته است. هنگامی که گله های بزکوهی یا آهو ها را می بینید به یاد داشته باشید که وجود آنها در طبیعت حاصل زحمات شبانه روزی محیط بانان است و در صورت عدم وجود آنها، مطمئناً نسل آنها توسط شکارچیان از میان برداشته خواهد شد. هنگامی که یوزپلنگ ها را می بینید، بدانید که برای اینکه این یوزپلنگ ها از گزند شکارچیان در امان باشند، محیط بانان از خواب و استراحت خود گذشته اند.



تصویر ۲۸- یک محیط بان در مالزی (عکس گرفته شده توسط: احمد زفیر عبدالوهاب)

اداره محیط زیست هر شهر یا استان در وهله اول از حیات وحش دفاع خواهد کرد و در مقابل شکار غیر قانونی خواهد ایستاد و در وهله دوم با رهاسازی حیوانات در طبیعت، موجب افزایش تعداد و تنوع جانوران می شود.



تصویر ۲۹- رهاسازی کبک در شهرستان پاوه (عکس از اداره محیط زیست جوانرود)

سخن پایانی

انتشار این کتاب فرصتی بود برای صحبت با دوستداران و حامیان محیط زیست، امیدوارم که مطلب کتاب باعث رنجش خاطر هیچ کدام از عزیزان نشده باشد. در اینجا مجالی است که به یک شبهه پاسخ دهیم: در زمان های گذشته و حتی در صدر اسلام مردم گاهی به شکار می پرداخته اند (البته پیامبر هیچگاه شکار نکردند) و از نظر دین نیز اشکالی نداشته است، در پاسخ باید گفت که اصل شکار برخلاف دین نیست اما شرایط متفاوت است. به فرض مثال در آن زمان آهو به وفور یافت می شده و کسی هم مالک آن نبوده است اما در حال حاضر همانگونه که قبلاً گفته شد سازمان محیط زیست با سرمایه مردم اقدام به خریداری و رهاسازی حیوانات در طبیعت می کند و در این صورت حیوانات متعلق به همه ی مردم (بیت المال) خواهند بود و شکار آنها عین سرقت است. من از شما می پرسم که چرا شکارچیان نمی توانند به یک گاوداری رفته و یک گاو را شکار کنند؟ حتماً در پاسخ خواهید گفت که گاو ها متعلق به شخص یا اشخاصی است و کسی نمی تواند آنها را بکشد، بله کاملاً درست است. امروزه نیز حیات وحش متعلق به همه ی مردم است.

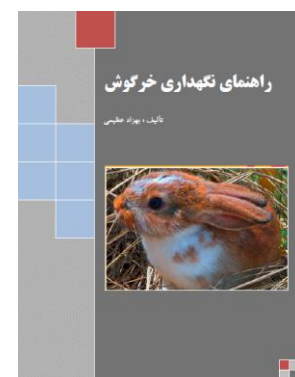
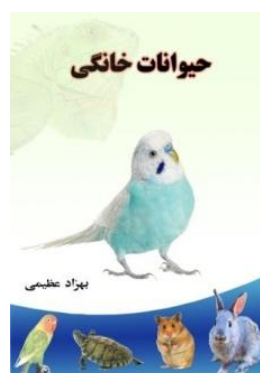
این کتاب را با افتخار تقدیم می کنم به شکارچینی که هنوز عشق در قلبشان نمرده است و نمی خواهند از این پس قاتل حیوانات باشند. بنابراین از دوستانی که تابه حال اسلحه به دست گرفته اند و کابوسی برای حیات وحش بوده اند، درخواست می کنم که اسلحه را کنار بگذارند و قدری با عشق و تفکر به مخلوقات خدای یکتا توجه کنند.

جان جیمز آدوبان یک نقاش آمریکایی بود که به شکار علاقه زیادی داشت و حیوانات بیشماری را شکار کرده بود، اما در سالهای پایانی عمرش، مسیر زندگی او عوض شد. او تأثیر شکار بر جمعیت پرندگان را بررسی کرد و نقاشی همه ی پرندگان آمریکای شمالی را کشید و در کتابی به اسم پرندگان آمریکای شکالی منتشر کرد و کتاب بعدی او پستانداران آمریکای شمالی بود. نکته ی بسیار جالب اینجاست که پس از مرگ آدوبان، انجمنی با همین نام تشکیل شد که به دنبال حمایت از حیات وحش آمریکای شمالی بودند. شخصی که در طول عمر خود تعداد بیشماری حیوان را شکار کرده، حال به نمادی از حمایت از حیوانات تبدیل شده است.

و اما بحث پایانی اینکه دوستانی هستند که می گویند با کنار گذاشتن شکار، سرگرمی و تفریح دیگری نداریم. بنده برای این دوستان گرامی یک پیشنهاد دارم، اسلحه خود را فروخته و به جای آن یک دوربین بخرید، همانگونه که برای شکار کمین می کنید به دل طبیعت رفته و کمین کنید و به جای اینکه حیوانات را شکار کنید، لحظه ها را شکار کنید. چند تن از دوستان بنده این روش را به کار گرفته و اذعان می کنند که لذت عکاسی از حیوانات بسیار بیشتر از لذت شکار آنهاست زیرا در اینصورت شما از حیوان مورد نظر عکس گرفته اید و به حیوان هیچ آسیبی نرسیده و بعد از آن به زندگی عادی خود ادامه می دهد. در ضمن برای عکاسی از طبیعت نیاز به دوربین های خیلی پیشرفته نیست و هستند کسانی که حتی با دوربین موبایلشان عکاسی می کنند.

ضمیمه

سایر آثار نویسنده :



به زودی از همین نویسنده منتشر خواهد شد....

